

**گفتار**  
**فرشید یزدانی**

## برابری و عدالت آرمان حقوق شهروندی

در بحث عدالت اجتماعی، دو رویکرد مختلف وجود دارد. رویکرد اول، اختلاف میان آزادی و عدالت است که مقابل یکدیگر قرار می گیرند. در چارچوب همین رویکرد، اندیشمندانی مانند «رابرت نوزیک» و «فردریش فون هایک» قرار دارند که عدالت اجتماعی را سرباری می دانند که قرار نیست به آن دست پیدا کنیم. در این رویکرد، با تأکید بر بازار، عدالت نوعی کج کارکردی برای جامعه شمرده می شود. دیدگاه مقابل، دیدگاه «جان رالز» است که عدالت را همسو با آزادی می داند. اینجا جایی است که بیمه های تأمین اجتماعی وارد می شوند. رالز، عدالت را به مثابه انصاف تعریف می کند و از دل این مباحث، می توان به مسائل تأمین اجتماعی هم پرداخت. به نظر می رسد برای ورود به بحث، باید عدالت، به مفهوم شهروندی مرتبط شود. در حقیقت، آرمان حقوق شهروندی، آرمان برابری و عدالت است. حقوق شهروندی، به تعبیر تی چارچامشال، شامل سه گونه حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است. در حقوق مدنی و سیاسی، بیشتر نگاه اول به عدالت طلبی، حاکم است. به این معنا که دولت باید کمترین دخالت را در حقوق مدنی و سیاسی داشته باشد و مردم هم از بیشترین آزادی در این عرصه ها برخوردار باشند. در واقع، حقوق مدنی و سیاسی در مقابل حقوق اجتماعی قرار می گیرد و همین موضوع، ایجاد مشکل می کند. این بحث را در کشور خودمان نیز شاهد هستیم که مثلاً گفته می شود باید اجازه داد بازار خود تنظیم گر، به سامان دهی امور بپردازد. درحالی که شکل گیری حقوق اجتماعی، ناشی از شکست بازار است. این رویکرد هنوز در کشور ما دیده می شود و اثرگذاری دارد. زیاد می بینیم و می شنویم که تأمین اجتماعی را ضد توسعه و عدالت می خوانند. حوزه بیمه های اجتماعی کشور ما در فرایندهای برابری و عدالت، سه کارکرد مختلف دارند. یکی اثر تادالی و اثر توزیعی منابع تأمین اجتماعی در دوره های مختلف زندگی است. دوم، توزیع افقی و بین نسلی است و سوم هم توزیع عمودی است که بین طبقات و اقشار اتفاق می افتد. بدین واسطه است که تأمین اجتماعی، فقر را کنترل می کند و با حقوق اجتماعی و عدالت ارتباط پیدا می کند. بخشی از حوزه بیمه های اجتماعی در ایران، محافظه کارانه است و در بخشی دیگر هم نگاه سوسیال دموکرات غلبه دارد. معمولاً از کارشناسان رفاه و تأمین اجتماعی در ایران پرسیده می شود چرا زمانی که حق بیمه های غیر یکسان گرفته می شود، خدمات برابر اعطا می شود؟ آیا این رویکرد ضد عدالتی نیست؟ پاسخ این است که وقتی که قرار است نقش اجتماعی داشته باشیم، باید به گونه ای عمل شود که از بخشی از جامعه، در برابر اتفاق هایی که می افتد، حمایت شود و میان آنها توزیع درآمد صورت گیرد. از طرف دیگر، تأمین اجتماعی، پرداختی متناسب با دریافتی ها دارد. در این صورت، ممکن است پرسیده شود چرا پرداختی ها متفاوت اند؟ این همان رویکرد محافظه کارانه است که تأمین اجتماعی می خواهد ثبات اجتماعی را برقرار سازد تا احساس عدالت اجتماعی، به هم نریزد و مشارکت افراد، از بین نرود. یعنی اگر مشارکت جویی افراد از بین برود، نقش بیمه های اجتماعی در عدالت اجتماعی، به شدت به هم می ریزد. حتی در قانون تأمین اجتماعی نیز مثال های متعددی درباره نقش ثبات اجتماعی مطرح شده است. مثلاً قانون گذار در ماده ۱۱۱ می گوید پرداختی ها نباید از حداقل حق بیمه کمتر باشد. یعنی می خواهد سطحی از حقوق اجتماعی شهروندی رعایت شود. یا در ماده دیگری می گوید پرداختی ها متناسب با قدرت خرید و ارزش پول، افزایش پیدا کند. اینها از اصول مترقی تأمین اجتماعی هستند که متأسفانه شاهدیم در بسیاری از اوقات، زیر سوال می روند که به نوعی می توان از آن، به نفی نقش تأمین اجتماعی در چارچوب عدالت اجتماعی یاد کرد؛ درحالی که این نوع نگاه محافظه کارانه، کمک می کند قشر بندی اجتماعی حفظ شود. قسمت دوم ایفای نقش تأمین اجتماعی، توزیع منابع با اتکا به مشارکت طلبی است که بیمه های درمانی، مهم ترین مثال این عرصه هستند. در بحث درمان، افراد با حداقل و حداکثر پرداختی به یک نسبت از خدمات درمانی استفاده می کنند که در واقع، نوعی توزیع ریسک در اجتماع محسوب می شود تا به نوعی، برابری، ایجاد شود.

کارشناس تأمین اجتماعی

## ورود مفاهیم تأمین اجتماعی، به دو کتاب درسی مقطع متوسطه

معاون فرهنگی و اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی، از وارد شدن مفاهیم بیمه و تأمین اجتماعی، به دو کتاب درسی مقطع متوسطه خبر داد. کتاب های «الزامات محیط کار» مقطع دوم متوسطه رشته های شاخه فنی و حرفه ای و کار و دانش، و «حسابداری حقوق و دستمزد» رشته حسابداری پایه یازدهم دوره متوسطه شاخه فنی و حرفه ای، دو کتابی هستند که محمدرضا جعفریان گفته در سال ۹۶، مبحث بیمه تأمین اجتماعی، در آنها گنجانده شده است. هدف از این کار – که با همکاری سازمان تأمین اجتماعی و وزارت آموزش و پرورش انجام شده- بالا بردن آگاهی محصلان از نقش و تأثیر بیمه های اجتماعی و ترویج فرهنگ بیمه ای و توانمندسازی آنها اعلام شده است.

## ۸۰ | کتبی نو

## مدرطنه

پرسه ای در اندیشه ها و نظریه ها

در سومین نشست «عدالت اجتماعی، از آرمان تا واقعیت»، سازوکارهای تحقق این آرمان، بررسی شد

# تقویت بیمه ها، جامعه ای عادلانه تر می سازد

عدالت چیست؟ و چطور می شود جامعه ای عادلانه تر برپا کرد؟ این شاید مهم ترین و حیاتی ترین نقطه عزیمت تمام جوامع و نظام های سیاسی، از قرن ها پیش تا به امروز باشد تا امکان زندگی شایسته را برای شهروندان خود فراهم کنند. در عین حال، عدالت، از مناقشه آمیزترین مفاهیم در تاریخ مکاتب و اندیشه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده و برداشت های خاصی از آن صورت گرفته است. در ایران نیز عدالت و تجلی های آن، مفاهیمی نزدیک به ذهن و خواستنی برای شهروندان بوده است. گو اینکه یکی از بنیان های

اصلی حرکت انقلابی مردم ایران در میانه های دهه ۵۰، ساختن جامعه ای مبتنی بر مناسبات عادلانه و حمایت از محرومان در برابر موقعیت های شکستنده اجتماعی و اقتصادی بوده است. مردم، عدالت می خواستند و برداشتی توزیعی از عدالت در سر می پروراندند و از آن طرف نیز رهبران انقلاب، کسان را مامور تدوین قانون اساسی کردند که نگاه عدالت جویانه به مناسبات درون نظام تازه تاسیس داشتند. حاصل آن شد که در اکثر مواد، بندها و تبصره های قانون اساسی، عدالت اجتماعی، روح حاکم بر قانون شد و دولت به مثابه

نماینده حاکمیت، وظیفه تأمین آن را عهده دار شد. چهارده بعد از انقلاب، هنوز هم آرمان عدالت گستری، پژواک بلندی دارد و عدالت اجتماعی خریدارانی جدی. با این وجود، در باره چگونگی تحقق این ایده، هنوز ناگفته ها زیاد است. اینکه عدالت اجتماعی را چطور و با چه ابزاری می توان محقق کرد؟ آیا در باره امری ممکن حرف می زنیم؟ یا عدالت اجتماعی، سرباری بیش نیست؟ در نشست هایی که این روزها وزارت رفاه با همکاری موسسه کار و تأمین اجتماعی، موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، و موسسه فرهنگی هنری

آهنگ آتیه برگزار می کند، کارشناسان و فعالان حوزه رفاه و تأمین اجتماعی، سعی دارند به این پرسش ها پاسخ دقیق تری بدهند. در نشست سوم، علی حیدری، نایب رئیس هیئت مدیره سازمان تأمین اجتماعی، محمدرضا واعظ مهدوی، مدیرعامل صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر، و فرشید یزدانی، کارشناس و پژوهشگر سیاست گذاری، به این موضوع، از درِیچه ارتباط با نظام بیمه و تأمین اجتماعی پرداختند که خلاصه ای از صحبت های آنها، در سه گفتار به خوانندگان عرضه می شود.

## نظام جامع رفاه، آرمان بلند عدالت اجتماعی

و تأمین اجتماعی انجام شده اند. به عنوان مثال، در دوره انقلاب و جنگ، طرح شهید رجایی، ستاد جهیزیه و بسیج اقتصادی و ... را داشتیم. در دولت های سازندگی، به ویژه در دوره دوم بیمه همگانی درمان و تدوین لایحه فقرزدایی مطرح شد. در دوره اصلاحات، طرح ضربتی اشتغال و توسعه تعاونی های تخصصی انجام شد و شاخص ترین اقدام نیز تهیه و تصویب قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و تأسیس بیمه روستاییان و عشایر بود. در دولت های بعد نیز با طرح هایی مانند سهام عدالت و هدفمندی یارانه ها، بیشترین حجم منابع در حوزه اجتماعی هزینه شد اما هیچ کدام در قالب قانون ساختار نبودند. در دوره اعتدال تأمین و فراگیری کامل بیمه درمان و سامانه و پایگاه اطلاعات نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی انجام شدند که گامی مهم در جهت رفع اشکالات استقرار نظام جامع رفاهی است. به هر حال قانون ساختار، تجلی آرمان بلند عدالت اجتماعی است و اهداف متعددی را مدنظر دارد. در این قانون، حتی اقدامات و طرح های دولت نیز جزء رویدادهایی دسته بندی شده که باید از مردم در قبال آنها حمایت کرد. در مذاکرات کمیسیون تلفیق تصویب قانون ساختار حتی گفته شده اثرات برنامه های توسعه ای دولت، جزء مصادیق رویدادها و پریشانی هایی است که باید از مردم در قبال آنها حمایت شود. به همین دلیل، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، به نحوی نوشته شد که سخنگو و متولی عدالت اجتماعی، در برابر اقدامات همه قوا و وزارتخانه ها باشد و از طریق این قانون، رصد و مانیتورینگ همه اقدامات، در کلیه بخش ها انجام شود تا مردم، دچار پریشانی نشوند. گرچه در قانون ساختار، آمده بود که تصمیمات شورای عالی رفاه، ملاک اعتبار است، اما در قوانین احکام دائمی توسعه و برنامه ششم توسعه، این حکم، اعتبار بیشتری پیدا کرده و تأکید شده که مصوبات شورای عالی رفاه، لازم الاجراست و به نوعی، هم تراز با مصوبات شورای عالی اقتصاد شده است. با اینکه نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، به عنوان متولی حمایت از مردم در قبال رویدادها دیده شده، متأسفانه در دولت های گذشته، اراده ای وجود نداشته که اگر قرار است کاری در حوزه رفاه انجام شود، از مدخل و فیلتر شورای عالی رفاه انجام شود که باید به این موضوع، توجه کافی بشود.

نایب رئیس هیئت مدیره سازمان تأمین اجتماعی

**گفتار**  
**علی حیدری**

عدالت اجتماعی، جزء آرمان های انقلاب اسلامی محسوب می شود که در قانون اساسی نیز متبلور شده است. در اصل متعدد قانون اساسی درباره عدالت اجتماعی، از منظر نظام بیمه ای صحبت به میان آورده اما اقدامات انجام شده برای تحقق آن در کشور، موثر و مکفی نبوده است. رویکردهای مختلفی درباره مفهوم عدالت وجود دارد که یکی از آنها درک حق گرایانه است. در این نگاه، تأکید می شود که افراد برخوردارتر، در قبال افراد فرودست تر و فقیر، مسئول تر هستند. بنابراین، باید مکانیسم هایی طراحی شود و براساس سیاست های بازتوزیعی، مانند بیمه و مالیات و ... منابعی از افراد ثروتمند گرفته شود و صرف ایجاد عدالت و کاهش شکاف طبقاتی شود. کما اینکه مفهوم عدالت و تأمین اجتماعی، یکی از کلیدی ترین مباحث در تقسیم بندی حقوق فردی و اجتماعی است. به این معنا که حتی در بازترین اقتصادهای دنیا نیز دولت ها در حوزه رفاه اجتماعی، وظایفی را برای خود قائل هستند و نقش ایفا می کنند. در عین حال، بیمه و عدالت اجتماعی، زیرساختی برای تحقق مردم سالاری هستند. اگر تأمین اجتماعی را حتی همگانی بدانیم، و دولت نیز به تکالیف خود عمل کند و نظام رفاه عمومی ایجاد کند، می توان گفت دموکراسی وجود خواهد داشت. بنابر این اگر تأمین اجتماعی – به معنایی که در قانون اساسی آمده و جزء تکالیف دولت هاست – تحقق پیدا کند، می توان به سمت دموکراسی واقعی حرکت کرد. علاوه بر این، برقراری تأمین نظام تأمین اجتماعی کارآمد، بخشی از وظیفه و نه لطف و مرحمت دولت هاست و اگر چنین رویکردی حاکم شود، هیچ کسی نمی تواند با سیاست هایی مقطعی و خاص خود، به بهره برداری سیاسی بپردازد. موضوع دیگر، عدالت فرهنگی است که در آن، آگاهی از حقوق و ارتقای فرهنگ و دانش مردم از حوزه تأمین اجتماعی، دارای اهمیت بالایی است؛ به طوری که در اولین پیش نویس قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، تشکیل دیوان عدالت اجتماعی پیشنهاد شده بود تا اگر حقوق اجتماعی مردم تأمین نشد، آن را از دولت مطالبه کنند. در عدالت اقتصادی نیز تأکید بر نقش حق بیمه ها و مالیات های اجتماعی، در تحقق عدالت اقتصادی است که در صورت محقق شدن آن، بر عدالت اجتماعی نیز اثرگذار خواهد بود. ما بر این باوریم که حوزه عدالت اجتماعی، موضوعی فرانهادی و فراقوه ای است؛ چرا که بخش عمده ای از منابع مربوط به حوزه عدالت اجتماعی، فراقوه ای است و برای تحقق آن، کل ساختار حاکمیت باید در جریان باشند. در ادوار مختلف اقدامات گوناگونی برای تحقق عدالت اجتماعی انجام شده که متأسفانه غالب آنها، خارج از حوزه جامع نظام جامع رفاه

## بیمه های اجتماعی و عدالت

**گفتار**  
**محمدرضا واعظ مهدوی**

برای بحث از عدالت اجتماعی در ایران، باید به مفهومی به نام «حکمرانی خوب» اشاره کرد. همه ما می دانیم که در رویکردی جهانی، گفته می شود دولت حداقلی، مناسبات بازار نیازهای اجتماعی را تأمین می کند و وظیفه دولت ها، فقط حفظ امنیت است. رویکرد حکمرانی خوب، در مقابل این رویکرد بازار محور قرار می گیرد و به نظر می رسد با آموزه ها و اصول دینی کشور ایران، مطابقت بیشتری دارد. با این همه، وقتی صحبت از عدالت می شود، سه حوزه مختلف را باید از یکدیگر تفکیک کرد. رایج ترین نوع آن، عدالت قضایی است که براساس آن تأکید می شود باید حقوق مردم تأمین شود و از تنصیع حق جلوگیری شود. دوم، عدالت رفتاری و روبه ای است و در نهایت، عدالت اقتصادی و اجتماعی است که زیربنایی تر و تعیین کننده است. سیاست های تعیین کننده عدالت اقتصادی، شامل سیاست های تخصیص منابع، سیاست های توزیع درآمد، و سیاست های بازتوزیع است که اجزای مختلفی دارد. یکی از این اجزا، سیاست های مالیاتی است. به این معنا که مالیات در ادبیات عمومی ایران، به مثابه راهی برای تأمین منابع مالی دولت شناخته می شود و روشی برای بازتوزیع منابع دولت است. سیاست های معطوف به هزینه های مبادله نیز در نوع خود اهمیت دارند که بیمه یکی از این ابزارها است. در این نوع سیاست ها، با بیمه های اجتماعی، بخشی از هزینه های گروه های اجتماعی پوشش داده می شود. سیاست های حمایتی و یارانه ای هم در نوع خود اهمیت دارند که در قالب مجموعه ای از برنامه ها، عدالت اجتماعی را محقق می کنند. در واقع، زمانی که صحبت از عدالت اجتماعی می کنیم، باید همه حوزه های قضایی، روبه ای و اقتصادی را درنظر بگیریم و برای هر کدام نیز راهبردها و اقداماتی را عملیاتی کنیم. با این وجود، یکی از مواردی که می توان با تحلیل آن، به سنجش عدالت اجتماعی و اقتصادی در کشور و اثر بخشی سیاست ها پرداخت، شاخص درآمد هزینه خانوار است. مشخصان اجتماعی و اقتصادی، متفق القول هستند که اولین نیاز خانوار، هزینه های خوراکي است و پس از آن است که مردم به سایر هزینه ها فکر می کنند. یعنی هرچه ضریب هزینه های غیر خوراکي به خوراکي، بیشتر باشد، سطح رفاه هم بالاتر است. این شاخص، در میان خانوارهای شهری در سال ۷۵، حدود ۶۹ درصد بوده که تا سال ۸۱، به ۷۴ درصد رسیده



مدیرعامل صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر

یکشنبه ● ۶ اسفند ۱۳۹۶ ● شماره صد و چهل و سه

A T I V E H N O